

## نقش اندیشه مهدویت و انتظار در تعمیق هویت اجتماعی

محمود ملکی راد<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

### چکیده

هویت اجتماعی (Identity Social) خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی است. هویت اجتماعی به مجموعه‌ای از شباهت‌ها و خصوصیات و مشخصات اجتماعی و فرهنگی همسانی اطلاق می‌شود که بر همانندی و یگانگی اعضای یک مجموعه و یک گروه دلالت می‌کند و آن را از سایر مجموعه‌ها و گروه‌ها متمایز می‌سازد. هویت اجتماعی گستره و سطوح وسیعی از هویت‌ها را شامل می‌شود، سطوحی چون هویت فرهنگی، قومی، نژادی، دینی، ملی، منطقه‌ای و جهانی. اندیشه مهدویت به علت جایگاه مهم و تأثیرگذاری که در منظومه فکری اندیشه منجی موعود دارد؛ در ایجاد هویت اجتماعی و تقویت آن می‌تواند نقش داشته باشد. و به تقویت هویت جمعی جهانی از راه باور به منجی موعود و هویت اسلامی باور به مهدویت اسلامی، کمک نماید. پژوهش پیش‌رو با روش تحلیل کیفی و با ابزار گردآوری اطلاعات در اسناد موجود از طریق کتابخانه «نقش اندیشه مهدویت و انتظار در تقویت هویت اجتماعی» را مورد بررسی قرار داده و ضمن تبیین مفاهیم کلیدی، به این سؤال پاسخ داده است که: اندیشه مهدویت و انتظار چه نقشی در تقویت هویت اجتماعی دارد؟ از مهم‌ترین یافته‌ها و نوآوری‌های این مقاله تبیین نقش اندیشه مهدویت برای تقویت و تعمیق هویت اجتماعی در سه سطح: الف) تعمیق هویت جمعی جهانی از راه باور به منجی موعود؛ ب) تعمیق هویت جمعی مسلمانان از راه باور به مهدویت اسلامی؛ ج) تعمیق هویت جمعی برای جوامع شیعی با تأکید بر باور به مهدویت شیعی است. علاوه بر آن به عناصر هویت‌بخشی اندیشه مهدویت در حوزه‌های باوری، ارزشی، هنجاری و رفتاری و نمادی نیز اشاره شده است.

### واژگان کلیدی

مهدویت، هویت، هویت اجتماعی، منجی موعود، جوامع مسلمان، جوامع شیعی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (m.malekirad@isca.ac.ir).

## مقدمه

از منظر جامعه‌شناسان دین و آموزه‌های دینی در شئون مختلف جامعه بشری نقش و کارکردهایی دارند. دین با معنی بخشی به زندگی آن را معنادار و هدف‌دار می‌کند؛ و با آموزه‌های حیات‌بخش خود می‌تواند یکی از عوامل مهم هویت‌ساز به‌شمار آید.

اندیشه مهدویت به عنوان یکی از آموزه‌های مهم دینی در حوزه‌های مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کارکردهایی دارد. هویت‌بخشی به جامعه بشری با تأکید بر اندیشه منجی موعود و به جامعه اسلامی با تأکید بر مهدویت با رویکرد اسلامی و به جامعه شیعی با تأکید بر مهدویت با رویکرد شیعی، یکی از کارکردهای مهم آن به‌شمار می‌رود.

پژوهش حاضر در پی آن است که با روش تحلیل محتوا، نقش و کارکردهای اندیشه مهدویت در عمق بخشی و تقویت هویت اجتماعی را مورد واکاوی قرار دهد و به این پرسش پاسخ گوید که: اندیشه مهدویت برای تعمیق هویت اجتماعی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش، ابتدا از سطوح مختلف هویت‌بخشی اندیشه مهدویت گفتگو شده که در سه سطح: ۱. هویت بخشی جهانی با تأکید بر آموزه منجی موعود؛ ۲. هویت بخشی جهان اسلام با تأکید بر مهدویت اسلامی؛ ۳. هویت بخشی جهان تشیع با تأکید بر آموزه مهدویت شیعی، گفتگو شده است.

در ادامه نیز از عناصر هویت‌ساز باوری، ارزشی، هنجاری رفتاری و سمبلی و نمادی که در اندیشه مهدویت وجود دارد، مورد بررسی قرار داده شده است.

لازم به یادسپاری است که مقاله «مهدویت؛ روند هویت‌یابی در عصر جهانی شدن» از آقای حسین گودرزی که در کتاب مجموعه مقالات «مهدویت و آینده پژوهی» به چاپ رسیده است؛ بیشتر ناظر به هویت بخشی مهدویت در عصر ظهور است. در حالی که مقاله پیش‌رو بر هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار در عصر غیبت تأکید دارد. بنابراین می‌توان گفت که در این حوزه تاکنون کار پژوهشی با این ویژگی انجام نشده است. لذا تبیین و تحلیل نقش اندیشه مهدویت و انتظار در هویت بخشی و تعمیق هویت اجتماعی با نگاه سطوح هویت بخشی اندیشه مهدویت و عناصر هویت‌ساز آن، از نوآوری‌های این تحقیق به‌شمار می‌رود.

## مفهوم‌شناسی

### هویت

واژه «Identity» به معنای «هویت» ریشه در زبان لاتین دارد و دارای دو معنای اصلی است: معنای اول آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین مفهوم هویت به معنای اصطلاحی آن میان اشیا و افراد دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱ش: ۵).

از دیدگاه ریچارد جنکینز هویت عبارت است از «شیوه‌هایی که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند و در واقع عامل مؤثر برای متمایز ساختن نظام مند میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌ها است. شباهت و تفاوت با هم اصول پویای هویت، و کنه زندگی اجتماعی هستند» (همان: ۷). از دیدگاه وی «هویت اجتماعی» و «هویت» مترادف هم هستند. «همه هویت‌های انسانی به یک معنا هویت‌های اجتماعی هستند، ممکن نیست غیر از این باشد» (همان: ۶). با این وصف «هویت بخش جدایی ناپذیر از زندگی انسان‌ها به شمار می‌رود؛ زیرا زندگی اجتماعی بدون نوعی درک از این که خود ما کیستیم غیرقابل تصور است. بر این اساس بدون هویت اجتماعی جامعه‌ای در کار نیست» (همان: ۹).

«هویت، جنبه‌ها، جلوه‌ها و ابعاد متفاوت و متنوعی دارد، بعد فلسفی، بعد روانی، بعد فرهنگی و بعد اجتماعی از ابعاد هویت محسوب می‌شوند» (الطائی، ۱۳۹۶ش: ۳۹) «هویت دارای ابعاد و جنبه‌های متفاوتی است، مهم‌ترین بعد هویت، بعد اجتماعی یا جامعه‌ای آن است که بر سایر ابعاد هویت حاکمیت و تأثیر دارد. در واقع هویت به هر شکلی که تجلی کند، آن جلوه، مستقیماً یا غیرمستقیماً، اجتماعی خواهد بود» (همان: ۶۲).

«به اعتقاد بعضی از جامعه‌شناسان - مانند گیدنز - هویت فردی و هویت اجتماعی، از نظر کیفی و نوعی متفاوتند. به این معنا که هویت فردی، ناظر به افراد و هویت جمعی معطوف به جامعه است. به اعتقاد «فریدمن»، دو نوع نظام وجود دارد: یکی هویت اجتماعی - فرهنگی و دیگری هویت فردی - شخصی» (حاج حسینی، ۱۳۸۱ش: ۳۸).

## هویت اجتماعی

هویت اجتماعی (Identity Social) در مقابل هویت فردی است. هویت فردی آن چیزی است که فرد را از دیگران متمایز می‌کند و به او تشخیص می‌دهد. در مقابل، هویت اجتماعی مبتنی بر تشابهاتی است که فرد با گروه و یا طبقه و یا هم‌فکران و هم‌کیشان خویش دارد و بدان وابسته است؛ به گونه‌ای که فرد خود را بر مبنای این وابستگی‌ها تعریف می‌کند. هویت اجتماعی گستره‌ای وسیع از هویت‌ها را شامل می‌شود؛ و سطوحی چون هویت فرهنگی، قومی، نژادی، دینی، ملی، منطقه‌ای و جهانی را دربر می‌گیرد.

«هویت اجتماعی و گروهی، مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). «هویت اجتماعی خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی است و بر درک افراد از خود استوار بوده و ذاتی نیست؛ بلکه محصول توافق و عدم توافق میان افراد است. آنچه یک گروه انسانی را هویت می‌بخشد، شباهتی است که باعث تفاوت آنها از گروه‌های دیگر می‌شود» (همان: ۸). «تنوع هویت‌ها فراورده‌های اجتماعی هستند که عناصری نسبتاً ثابت و پایدار دارند» (برگر، ۱۳۹۵: ۲۳۶-۲۳۷).

هویت اجتماعی گستره‌ای وسیع از هویت‌ها را شامل می‌شود؛ نظیر: هویت فرهنگی، نژادی، دینی و... هویت اجتماعی شیوه‌هایی است که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۳۰۰). در واقع به باور جامعه‌شناسان هویت اجتماعی احساسی است که افراد نسبت به خود دارند. و شیوه‌هایی است که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌ها متمایز می‌شوند و حاصل آن برقراری روابط و پیوندهای هویتی و متمایز ساختن نظام مند شباهت و تفاوت میان افراد و جماعت‌ها است (صالحی امیری، ۱۳۹۲: ۶۰-۶۲).

## مهدویت

مهدویت در لغت از واژه مهدی گرفته شده است که «یای مشدد و تا» به آن اضافه شده و به صورت مصدر جعلی به کار می‌رود. یعنی مهدوی بودن. «مهدی» در لغت به معنای هدایت

کرده شده، معنی شده است (همان: ۱۷۷). «مهدویت» در اصطلاح یعنی اعتقاد به وجود حضرت مهدی علیه السلام و ظهور آن حضرت. اعتقاد به مهدویت و انتظار در فرهنگ تشیع دارای اهمیت بسیار است. «مهدی» لقب موعود آخرالزمان است، که در احادیث معتبر نسب و اوصاف او مورد اشاره قرار گرفته است. لقب «مهدی» به این معنی است که او مورد هدایت خدا قرار گرفته و با ظهورش زمین را از عدل و داد لبریز خواهد نمود. این لقب برای اولین بار در مورد امام مهدی علیه السلام توسط حضرت رسول صلی الله علیه و آله انجام گرفته است. «خلاصه و حقیقت مهدویت، این است که جوامع مختلف در جهان به سوی جامعه واحد در حرکت اند که با تحقق آن حکومت حق و عدل تشکیل خواهد شد و باطل و جنود شیطان و مستکبران نابود می شوند و مستضعفان نجات پیدا می کنند و با رهبری یک انسان الهی مؤمنان و شایستگان به خلافت می رسند و در نتیجه سعادت، امنیت و رفاه عمومی و فراگیر می شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ ش: ۲۵). بعد از مفهوم شناسی مجموع مطالب این مقاله در دو گفتار دنبال می شود:

#### گفتار اول: سطوح هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار

عوامل و مناسبات مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در هویت اجتماعی نقش دارند. در این میان دین و آموزه های دینی نقش پررنگی در هویت اجتماعی دارند. عقاید و باورها بخش قابل ملاحظه ای از عناصر هویتی را تشکیل می دهند؛ تکیه بر دین و مذهب یکی از عناصر مهم هویت ساز به شمار می روند؛ و در ایجاد هویت اجتماعی از جایگاه با اهمیتی برخوردارند و سهم و نقش بالایی در این حوزه دارند. «هویت دینی میزان آگاهی، تعلق خاطر و میزان درونی سازی باورها، احکام و دستورها و افعال اخلاقی یک دین و یا مذهب است که در فرد دیندار وجود دارد. بخشی از عناصر هویتی دین را عقاید و باورها تشکیل می دهد و بخشی دیگر را دستورات فقهی و اخلاقی دین تشکیل می دهد که در تشریفات مذهبی و رفتارهای جمعی دین داران مانند برپایی نماز جماعات و جمعه و حج و... بروز و ظهور دارند» (همان: ۳۰۲). نقش این هویت مشترک ایجاد وحدت در زندگی عینی و اجتماعی مردم است که موجب می شود تا هویت فرهنگی و دینی مشترک ایجاد شود. از این رو هر کدام از ادیان هویت بخش پیروان خویش خواهند بود. بنابراین دین اسلام هویت بخش مسلمانان است. در واقع «هویت اسلامی را باید در معنایی جست که شخص خود را با پیوند زدن به پیام آسمانی اسلام تعریف می کند. نکته ای که در ساختار هویت اسلامی برجسته است و سفارش پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را

در پی داشت، توصیه به هم‌راهی قرآن و عترت در کانون هویت اسلامی است. و در این راستا معرفت امام، کانون هویت اسلامی را تشکیل می‌دهد که شیعه بر آن تأکید دارد» (بهریزی لک، ۱۳۸۸ ش: ۶۴-۶۵).

بنابراین با توجه به جایگاهی که اندیشه مهدویت در منظومه دین اسلام دارد؛ هویت بخشی را می‌توان یکی از اهداف اجتماعی آن به شمار آورد. اندیشه مهدویت و انتظار از سطوح مختلف هویت بخشی برخوردار است. زیرا این اندیشه در میان پیروان ادیان الهی با تأکید بر منجی باوری، هویت جهانی و فرا ملی را در عرصه جهانی به وجود می‌آورد. در واقع اجتماع همه پیروان ادیان الهی حول محور منجی موعود با هر تفسیری که از آن اراده شود، از نظر جامعه شناختی، تعلق خاطر و باور مشترک را نسبت به آن به دنبال خواهد داشت و در میان پیروان دین اسلام و فرق و مذاهب مختلف اسلامی در قالب اندیشه مهدویت متجلی است که می‌تواند هویت دینی مشترک اسلامی را در میان فرق و مذاهب اسلامی ایجاد می‌کند؛ و در رویکرد شیعی با تأکید بر امامت به ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد و هویت دینی مشترک را در میان شیعیان به وجود می‌آورد. بنابراین اندیشه مهدویت و انتظار در سطوح مختلف می‌تواند در ایجاد هویت بخشی نقش داشته باشد. مهم‌ترین سطوح هویت بخش اندیشه مهدویت و انتظار عبارتند از:

#### ۱. مهدویت و هویت اجتماعی جوامع بشری

باور به منجی موعود ریشه در اعماق تاریخ بشریت دارد. شاهد بر آن وجود متون مقدس ادیان گوناگون چه الهی و چه غیر الهی، مبنی بر آمدن منجی موعود در آخرالزمان است. زیرا مهم‌ترین خاستگاه این باور فطرت و عقل است که در وجود همه انسان‌ها به‌صورت مشترک وجود دارد. لذا از این جهت باوری برون دینی است و به دین، آئین و فرهنگ خاصی اختصاص ندارد، چون فطرت و عقل و قراردادهای اجتماعی، بین همه انسان‌ها مشترک است و مختص به دین خاصی نیست. بنابراین اعتقاد به مهدویت تنها یک عقیده اسلامی که فقط رنگ دین اسلام را داشته باشد؛ نیست. در واقع مهدویت فصل مهمی از خواسته‌های بشری است که انسان‌ها با داشتن ادیان و مذاهب مختلف، رو سوی آن دارند. «مهدویت تبلور یک الهام فطری است که مردم از دریاچه آن، به‌رغم دیدگاه‌های مختلف و نگرش‌های متفاوت عقیدتی، روز موعود را می‌بینند، روزی که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می‌یابد و راه

ناهمواری که در طول تاریخ برای انسان دشوار بود، پس از رنج بسیار هموار می‌شود... ما به خوبی در می‌یابیم که دل مشغولی به امید صلح و هم‌زیستی احساسی است که در سراسر تاریخ و در میان همه اقوام و ملل از دغدغه‌ها و مسائل بشری بوده است و هنگامی که دین این وجدان عمومی را تأیید می‌کند و تأکید دارد که زمین پس از لبریز شدن ظلم و ستم پر از عدل و داد خواهد شد، به آن احساس عمومی، ارزش عینی می‌بخشد و آن را تبدیل به یک ایمان محکم می‌کند (صدر، ۱۳۷۶ش: ۵۴).

بنابراین منجی باوری را می‌توان از نقاط مشترک ادیان به حساب آورد. در ادیان توحیدی بعد از اعتقاد به توحید و نبوت و معاد، منجی‌گرایی نقطه اشتراک آنهاست. بر این اساس بخش قابل ملاحظه‌ای از متون مقدس یهودیان و مسیحیان درباره منجی موعود و ویژگی‌ها و چگونگی عصر ظهور اختصاص یافته است. از دیدگاه یهودیان در عصر ظهور زمین همه نعمت‌هایش را بیرون می‌دهد. در کتاب حزقیال آمده است:

بر کنار نهر به این طرف و آن طرف هر قسم درخت خوراکی خواهد روئید که برگ‌های آنها پژمرده نشود و میوه‌های آنها لاینقطع خواهد بود و هر ماه میوه‌ای تازه خواهد آورد (راشد محصل، ۱۳۸۱ش: ۱۲۷).

در آن عصر آسایش همگانی تأمین می‌شود، حتی حیوانات را نیز در بر می‌گیرد؛ و جنگ و خونریزی از جهان رخت بر خواهد بست.  
در کتاب اشعیا آمده است:

روزی خواهد آمد که سختی‌های گذشته بکلی فراموش شده و از بین خواهد رفت زیرا من زمین جدیدی می‌سازم و هرچه در گذشته بود کاملاً فراموش شده دیگر به یاد آورده نخواهد شد. ای قوم من از این آفرینش جدید تا ابد مسرور باشید زیرا اورشلیم را نیز از نو می‌آفرینم تا شهر شادی و سرور شما باشد. در آن جا دیگر صدای گریه و زاری شنیده نخواهد شد، نوزادان دیگر در سن کم نخواهند مرد... دیگر زحمت‌های مردم بر باد نخواهد رفت به مردم برکت خواهیم داد. پیش از آن که مرا بخوانند به آنان جواب خواهد داد. پیش از آن که دعای شان را تمام کنند آن را اجابت خواهیم کرد (اشعیا، ۱۳۸۰ش: باب ۶۵، ۱۳۰۲).

«در آن روز آن پادشاه نوظهور خاندان داود پرچم نجاتی برای تمام قوم‌ها خواهد بود و مردم به سوی او خواهند آمد و سرزمین او از شکوه و جلا پر خواهد شد» (اشعیا، ۱۳۸۰ش: باب ۱۱)،  
بند ۱، ۱۲۲۰).

از دیدگاه یهودیان عصر ظهور که عصر نجات بشریت از ظلم و جور است؛ زمین همه نعمت‌هایش را بیرون می‌دهد. در آن عصر آسایش و امنیت همگانی تأمین می‌شود؛ و جنگ و خونریزی از جهان رخت بر خواهد بست.

«خداوند جنگ‌های بین اقوام را تمام می‌کند و اقوام دیگر در فکر جنگ با یکدیگر نخواهند بود» (همان: باب ۲، بند ۴، ۱۲۰۵). و «خداوند شما را از سختی‌ها و مشکلات عبور خواهد داد» (همان: باب ۳، بند ۲، ۱۲۴۷).

در کتاب انجیل با تأکید بر باور به منجی موعود، از وی به پسر انسان یاد شده است. «هم‌چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب می‌رسد، ظهور پسر انسان نیز چنین است. آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان ظاهر می‌گردد، در آن وقت همه مردم پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید، اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان... شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید. کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته بدارید... خوشا به حال آن غلامان که آقای‌شان چون آید بیدارشان یابد پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید» (انجیل لوقا، ۱۳۶۳ ش: ۳۵). از دیدگاه مسیحیان برای ظهور منجی روز و ساعت مشخصی تعیین نشده است و جز خدا هیچ‌کس از آن تاریخ با خبر نیست و ظهور او ناگهانی و غیرمنتظره است. در انجیل متی آمده: «اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس» (راشد محصل، ۱۳۸۱ ش: ۱۱۴) او در ساعتی می‌آید که گمان برده نمی‌شود. پس چون او ناگهان و بی‌خبر از راه می‌رسد، بر بندگان راست‌کردار است که هر لحظه منتظر او باشند (همان: ۱۱۸).

علاوه بر ادیان توحیدی، در ادیان غیر توحیدی نیز بر آمدن منجی موعود بشارت داده شده است. در کتب مقدس هندوها از دوره آخر الزمان به عصر «کالی» تعبیر شده که در آن عصر نجات‌بخش جهان ظهور می‌کند و حق و راستی را بر پا می‌کند و ظالمان را نابود می‌سازد» (شهیدی، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

در کتاب باسک که از کتاب‌های مقدس هندوهاست، درباره بشارت به ظهور منجی می‌گوید:

دوره دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان خواهد بود، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین پنهان است همه را به دست

آورد، و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۲ش: ۲۴۶).

از دیدگاه بودائیان نیز «بودا» روح نجات‌بخشی است که در هر دوره‌ای از عالم غیبت برای نجات مردم می‌آید. و با آمدن او ذهن انسان از غرور و شهوت‌پرستی، رهایی می‌یابد و جای آن را دانش، خرد و برکت معجزات پیامبران فرا می‌گیرد و تمام این سرزمین در آرامشی عمیق فرو می‌رود.

بنابراین باور به منجی موعود که از باورهای مشترک همه ادیان به حساب می‌آید؛ می‌تواند در ایجاد هویت مشترک جهانی نقش داشته باشد و از این راه می‌توان باور به مهدویت را ناظر به هویت جمعی جهانی دانست. زیرا باور به منجی موعود در میان پیروان ادیان، هویت جهانی و فراملی را در عرصه جهانی به وجود می‌آورد. در نتیجه اجتماع همه پیروان ادیان حول محور باور به منجی موعود با هر تفسیری که از آن اراده شود، از نظر جامعه‌شناختی، تعلق خاطر و باور مشترک را نسبت به آن به دنبال خواهد داشت. در نتیجه این باور مشترک می‌تواند هویت جهانی و فراملی را شکل دهد. زیرا پیروان ادیان در سایه آن می‌توانند با همدیگر به نقطه مشترک برسند. و زبان مشترکی را در میان پیروان ادیان به وجود آورد و آنان را حول محور این باور جمع کند و به آنها هویت واحد بدهد (هویت اجتماعی بین‌الادیانی).

## ۲. مهدویت و هویت اجتماعی جوامع مسلمان

باور به منجی موعود در دین اسلام در قالب باور به مهدویت متجلی است. این باور می‌تواند هویت دینی مشترکی را در میان همه فرق مسلمین ایجاد کند. زیرا اعتقاد به مهدویت که ریشه در اعماق تاریخ اسلام دارد؛ در حقیقت اعتقادی اسلامی است که توسط رسول گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام مورد تأکید قرار گرفته است. مؤید این سخن روایات بسیاری است که همه فرق و مذاهب اسلامی به خصوص اهل تسنن و شیعه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ارتباط با این عقیده نقل کرده‌اند. در منابع و متون اهل سنت مسئله مهدویت مورد توجه جدی بوده و در این خصوص روایات زیادی در متون حدیثی آنان نقل شده است. اهل تسنن روایات مهدویت را از افرادی چون: معاذ بن جبل، ابوذر غفاری، عبدالله بن مسعود، عباس بن عبدالمطلب، سلمان فارسی، علی بن ابی‌طالب، عمار بن یاسر، ابویوب انصاری، عبدالله بن عباس، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری و... که همگی از صحابه بزرگ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند نقل نموده‌اند. علاوه بر آن، محدثین و راویان بسیاری از اهل تسنن بر این باورند که

احادیث مربوط به مهدی علیه السلام صحیح بوده و در کتب متعدد آنها را نقل کرده‌اند. محدثینی چون: ترمذی، بیهقی، حاکم نیشابوری، ابن اثیر، ذهبی، ابن کثیر، تفتازانی، ابن حجر عسقلانی، جلال الدین سیوطی، ابن حجر هیتمی و... و در کتب حدیثی خودشان روایاتی را در این زمینه نقل نموده‌اند. بخاری، در باب نزول عیسی، از ابی هریره از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

كيف أنتم إذا نزل ابن مریم فيکم وإمامکم منکم (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۴، ۲۰۵)؛  
حال شما چگونه خواهد بود هنگامی که فرزند مریم در میان شما فرود آید و امام شما از میان خودتان خواهد بود.

شیخ محسن عباد از متفکران معاصر اهل تسنن با نوشتن دو مقاله<sup>۱</sup> درباره مهدویت که در مجله «الجامعه الاسلامیه» چاپ شده در این زمینه می‌گوید:

برخی از احادیث می‌توانند برخی دیگر را تفسیر کنند؛ بنابراین احادیثی که در سنن و مسانید آمده این دسته از روایات روایات یاد شده از بخاری و مسلم را تفسیر می‌کنند و همگی آنها دلالت دارند مبنی بر این که آن فرد صالحی که در این روایات به آن اشاره شده، او حضرت مهدی علیه السلام است. وی با تأکید بر این مطلب، حدود بیست و شش نفر از صحابه را نام می‌برد که احادیث مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام را از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند. و حدود سی و هشت نفر از محدثین و عالمانی که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را در کتبشان نقل کرده‌اند را ذکر می‌کند. و به افرادی چون: ابو داود، ترمذی، ابن ماجه، نسائی، احمد، ابن حبان، حاکم نیشابوری، ابن ابی شیبه، ابو نعیم اصفهانی، طبرانی، دارقطنی، ابو یعلی موصلی، ابن عساکر، بیهقی، و غیره اشاره کرده است. علاوه بر آن از افرادی یاد می‌کند که به صورت مستقل درباره حضرت مهدی علیه السلام کتاب نوشته‌اند مانند: أبوخیثمه، ابو نعیم اصفهانی، جلال الدین سیوطی، ابن کثیر، ابن حجر مکی هیتمی، متقی هندی، شوکانی، و غیره. همچنین از افرادی یاد کرده که احادیث مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام را به صورت متواتر نقل نموده است. و به روایاتی که درباره حضرت مهدی علیه السلام در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم آمده اشاره نموده است. و در نهایت می‌گوید امت اسلامی از اهل سنت و اشاعره، احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را پذیرفته‌اند. این احادیث دلالت می‌کنند مبنی بر این که - مهدی علیه السلام - حقیقت ثابتی است که در آخرالزمان محقق

۱. مقاله‌ای با عنوان «عقیده اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر» از ص ۱۲۶ تا ص ۱۶۴، چاپ شده در مجله «الجامعه الاسلامیه» شماره ۳، سال ۱۳۸۹ق. و مقاله «الرد علی من أنکر أحادیث المهدی» چاپ شده در مجله «الجامعة الإسلامية» شماره ۴۵، سال ۱۴۰۰ق.

خواهد شد. بنابراین کسی که می‌گوید این احادیث ساخته و پرداخته شیعیان است و نمی‌توان آنها را به پیامبر ﷺ نسبت داد؛ سخن درستی نگفته است؛ و این حرف یا از روی جهل و نادانی است و یا از روی عناد و لجاجت با حق است؛ زیرا با این حجم وسیع و با آن طرق متعددی که در کتب آمده، این حقیقت را بیان می‌کند که آن احادیث از سوی رسول خدا ﷺ بیان شده‌اند. علاوه بر این محدثین و عالمانی که به احادیث مهدویت باور دارند و آنها را در کتب‌شان نقل نموده‌اند؛ افرادی محقق و اهل دقت هستند. در نتیجه پذیرش و قبول آن‌ها از ایمان به پیامبر ﷺ نشأت می‌گیرد و داخل در ایمان به او و از مصادیق ایمان به غیب به شمار می‌رود؛ و ایمان به غیب هم از سوی خداوند از نشانه‌های متقین بر شمرده شده است. «ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب» بنابراین واجب است در کلیه اموری که رسول خدا ﷺ بدان‌ها خبر داده است؛ ایمان بیاوریم. چه از امور گذشته و چه از آینده و چه اموری که از ما غایبند.<sup>۱</sup>

وی در نقد افراد شاذ و نادری که به مهدویت باور چندانی ندارند می‌گوید:

خروج و ظهور حضرت مهدی ﷺ در آخرالزمان بر طبق سنت خداوند است. زیرا سنت الهی بر درگیری دائم میان حق و باطل استوار است. در نتیجه خداوند در هر زمانی کسی را آماده می‌کند تا از دین حق حمایت نماید و در صدد نصرت آن باشد. بنابراین در هیچ زمانی زمین خالی از حجت نخواهد بود. بر این اساس مهدی ﷺ کسی است که در زمان خروج دجال به حمایت از دین الهی برمی‌خیزد و عیسی مسیح ﷺ نیز در این هنگام از آسمان نازل می‌شود. روایات نیز بر این مطلب دلالت دارند.<sup>۲</sup>

قنوجی بخاری در کتاب *الاذاعه* بر این مطلب نیز تأکید دارد و در این باره می‌گوید:

با توجه به احادیث متواتری که جمهور امت بر آنها اتفاق نظر دارند؛ بدون هیچ تردیدی مهدی ﷺ در آخرالزمان خروج و ظهور می‌کند. کسی که این مطلب را انکار کند در واقع در مقابل نصوص مستفیض و متواتر قرار گرفته است (قنوجی بخاری، ۱۴۲۱ق: ۱۴۵).

سفارینی نیز بر این امر تصریح دارد و درباره مهدی ﷺ می‌گوید:

از مجموعه روایاتی که از سوی صحابه درباره مهدی ﷺ نقل شده؛ می‌توان به قطع و یقین رسید. بنابراین اعتقاد و ایمان به خروج و ظهور حضرت مهدی ﷺ واجب و لازم

۱. مقاله‌ای با عنوان «عقیده أهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر» چاپ شده در مجله «الجامعه الاسلامیه» شماره ۳، سال ۱۳۸۸ق. و مقاله «الرد الرد علی من کذب الأحادیث الصحیحة فی المهدی» که در مجله «الجامعه الإسلامیة» شماره ۴۵، سال ۱۴۰۰ق، به چاپ رسیده است.

۲. مقاله «الرد علی من کذب الأحادیث الصحیحة فی المهدی» چاپ شده در مجله «الجامعه الإسلامیة» شماره ۴۵، سال ۱۴۰۰.

است (همان: ۱۴۶).

ابن تیمیه در این باره می‌گوید:

احادیثی که امثال ابوداود و ترمذی و احمد و دیگران بر ظهور و خروج مهدی علیه السلام بدان‌ها استشهاد کرده‌اند احادیث صحیحی هستند.<sup>۱</sup>

همچنین ناصرالدین البانی از حدیث‌شناسان و نقادان حدیث معاصر، در مجله تمدن اسلامی نیز بر خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام تأکید و تصریح دارد؛ وی می‌گوید:

درباره خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام احادیث بسیاری که دارای اسناد صحیحی هستند وجود دارد. و امثال رشید رضا و دیگرانی که درباره احادیث مهدی علیه السلام تشکیک کرده‌اند در حقیقت تتبع زیادی در این زمینه ندارند و اگر تحقیق بیشتری می‌کردند؛ به حقیقت امر پی می‌بردند. بنابراین عقیده به خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام عقیده ثابتی است که از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت متواتر نقل شده است. پس ایمان به آن از مصادیق ایمان به غیب است که از صفات متقین به‌شمار می‌رود. و انکار آن یا از روی جهل و نادانی است و یا از روی عناد و ستیزه‌جویی با حقیقت است (البانی، ۱۴۲۲ق: ۶۴۲).

عبدالعزیز بن باز رئیس وقت دانشگاه اسلامی مدینه منوره در یادداشت خود بر نوشته محسن عباد درباره حضرت مهدی علیه السلام که در مجله آن دانشگاه به چاپ رسیده بود؛ می‌نویسد: احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام مستفیض بلکه متواتر است. چنان‌که تعدادی از عالمان گفته‌اند این احادیث در حد تواترند. این احادیث دلالت می‌کنند که آن شخص وعده داده شده، امر ثابتی است و خروجش به حق خواهد بود. جمهور عالمان در این باره اتفاق نظر دارند. بنابراین حق با آنان است که می‌گویند حضرت مهدی علیه السلام حقیقت دارد و در آخرالزمان خروج و ظهور می‌کند. از این رو به حرف برخی از افراد که بر خلاف نظر اکثریت عالمان سخن گفته‌اند؛ وقعی نهاده نمی‌شود (بن باز، ۱۳۸۸ق: ج ۳، ۱۶۱).<sup>۳</sup>

۱. «الأحادیث التي يحتج بها على خروج المهدي أحاديث صحيحة، رواها أبو داود، والترمذی، وأحمد، و غیرهم، من حدیث ابن مسعود و غیره».

۲. «ان عقیده خروج المهدي عقیده ثابتة متواترة عنه يجب الإيمان بها لأنها من أمور الغيب، و الإيمان بها من صفات المتقين كما قال تعالى: (الم، ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين \* الذين يؤمنون بالغيب). و إن إنكارها لا يصدر إلا من جاهل أو مكابر» (مجله تمدن الاسلامی، ج ۲۲، ۶۴۲).

۳. بن باز در تعلیقه خود بر مقاله «عقیده أهل السنة والأثر فی المهدي المنتظر» نوشته عبدالمحسن العباد صفحه ۱۶۲-۱۶۱ می‌نویسد:

«أمر المهدي معلوم، و الأحادیث فيه مستفیضة، بل متواترة و قد حکى غیر واحد من أهل العلم تواترها و هی متواترة

بنابراین باور به مهدویت فراتر از باور فرقه‌ای خاص بدان، باوری اسلامی است و یکی از مشترکات مذاهب اسلامی به شمار می‌رود. از این جهت تکیه بر مشترکات مذاهب اسلامی در باور به مهدویت می‌تواند در ایجاد هویت جمعی مسلمانان مؤثر باشد و زبان مشترکی را برای شان ایجاد نماید و آنان را گرد هم جمع کند و به آنان هویت اجتماعی واحد بدهد و مایه اتحاد و همبستگی جوامع مسلمان شود.

### ۳. مهدویت و هویت اجتماعی جوامع شیعی

شیعه امامیه ضمن پذیرش نگاه ادیان به منجی موعود و نگاه مذاهب اسلامی به مهدویت، درباره اندیشه مهدویت، دارای اعتقادات مخصوص به خود هست که می‌تواند هویت واحدی را در جوامع شیعی ایجاد نماید. در این خصوص «فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام نشان، با خصوصیات گوناگون می‌شناسند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در نیمه شعبان ۱۳۸۴)<sup>۱</sup> یعنی «ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی علیه السلام و این که کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، شخص مهدی علیه السلام را هم می‌شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می‌دانیم» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در نیمه شعبان ۱۳۶۸)<sup>۲</sup>.

از این جهت باور به مهدویت با رویکرد شیعی می‌تواند در جامعه شیعی هویت مشترکی ایجاد کند و از این راه به ایجاد ارتباط و تحکیم روابط اجتماعی کمک نماید. این هویت مشترک را می‌توان در باور جامعه شیعی به امامت و رهبری امام مهدی علیه السلام نشان داد؛ و آن را یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در تحکیم روابط اجتماعی برشمرد. این مسئله مبتنی بر یک اصل کلی است که اعتقاد به رهبری شخص مشخصی و پذیرش رهبری او، علاوه بر آن که انسجام و وحدت اجتماعی را به دنبال دارد؛ می‌تواند در تحکیم و تنظیم روابط اجتماعی تأثیرگذار باشد. این باور موجب می‌شود جامعه شیعه (جامعه منتظر) خود را همواره در پرتو رهبری امام

تواتر معنویا، لكثرة طرقها، واختلاف مخارجها، وصحابتها و روايتها، و ألفاظها، فهى - بحق - تدل على أن هذا الشخص الموعود به أمره ثابت و خروجه حق و قد رأينا أهل العلم أثبتوا أشياء كثيرة بأقل من ذلك و الحق أن جمهور أهل العلم، بل هو الاتفاق على ثبوت أمر المهدى، وأنه حق، وأنه سيخرج فى آخر الزمان و أما من شذ من أهل العلم - فى هذا الباب - فلا يلتفت إلى كلامه فى ذلك».

1 . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3308>

2 . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2276>

مهدی علیه السلام ببیند و پیوسته در تحکیم روابط اجتماعی خود بکوشد. زیرا اعتقاد به وجود واقعی امام می‌تواند الهام بخش معنوی و مایه انسجام، وحدت، امید و تحرک در مردم باشد. بر خلاف جامعه‌ای که دارای رهبری نباشد و یا معتقد به رهبری باشد که در آینده خواهد آمد. چنین جامعه‌ای پیوستگی و انسجام خود را از دست می‌دهد و دچار تشتت و افتراق می‌شود. بنابراین جامعه‌ای که به امام مهدی علیه السلام معتقد باشد سعی می‌کند یکدل و یکصدا در مسیر اهداف بلند آن حضرت حرکت کند و از افتراق و تشتت بپرهیزد؛ این امر موجب می‌شود تا هویت مشترک در جامعه به وجود آید و در نتیجه روابط اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

بنابراین در اندیشه شیعی، باور به امامت به‌ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد. در این رویکرد، باور به امامت و حضور حجت حق در همه زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به وجود آید. بر طبق این بینش، امامت مقامی است که به دوره‌ای از ادوار و عصری از اعصار بشری اختصاص ندارد. وجود امام برای تمام ادوار و اعصار لازم و ضروری است. چه امام آشکار باشد و مردم بتوانند او را مشاهده کنند و چه از دید مردم پنهان و غایب باشد؛ از امام زین العابدین علیه السلام در ارتباط با جایگاه و منزلت ائمه علیهم السلام نقل شده:

ما پیشوایان مسلمین و حجت‌های خداوند بر اهل عالم هستیم از زمانی که خداوند حضرت آدم علیه السلام را خلق کرده زمین هرگز خالی از حجت الهی نبوده است یا این حجت ظاهر و مشهور بوده و یا غایب و مستور و همچنین تا قیامت نیز خالی از حجت نخواهد بود (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۳۱۷).<sup>۱</sup>

بر این اساس می‌توان گفت:

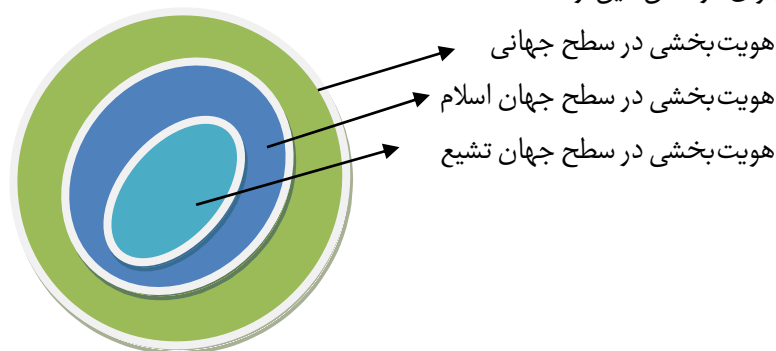
عنصر امامت عنصر اساسی هویت جمعی شیعیان امامیه به حساب می‌آید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲ش: ۳۰۴).

به باور امامیه و «در مکتب شیعی امام هویت بخش است... فرهنگ مهدویت در یک جامعه شیعی از آن روی اهمیت دارد که هویت بخش زندگی شیعیان است. اهمیت اصلی و کلیدی فرهنگ مهدویت را می‌توان در هویت بخشی به فرد و جامعه دانست. جامعه‌ای که به آینده اعتقاد دارد و بر این باور است که عصری به دور از نقص‌ها، متفاوت با وضع موجود و برابر با

۱. «... و لم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجة لله فيها ظاهر مشهور أو غائب مستور ولا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حجة الله و لولا ذلك لم يعبد الله».

مدینه فاضله فرا خواهد رسید، می‌تواند زندگی امروز خود را براساس همان مدل کامل سامان دهد» (بهر روزی لک، ۱۳۸۸ش: ۶۸-۶۹). زیرا ارتباط و همگرایی مردم حول محور اندیشه مهدویت موجب تقویت جامعه‌پذیری مهدوی می‌شود. و جامعه‌پذیری مهدوی نیز انتقال عقاید و باورها و ارزش‌ها و هنجارهای مهدوی را به دنبال خواهد داشت. و در پرتو انتقال این ارزش‌ها مردم احساس هویت بیشتر خواهند نمود. زیرا عقاید و باورها و ارزش‌ها بخش قابل ملاحظه‌ای از عناصر هویتی را تشکیل می‌هند؛ و هویت دینی مشترک را ایجاد می‌کند. در اندیشه شیعی، عنصر امامت به ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد. در این رویکرد، باور به امامت و حضور حجت حق در همه زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به وجود آید. نقش این هویت، اعطای هویت فرهنگی و دینی به جامعه شیعیان است.

بدین جهت باور به مهدویت که مورد وفاق جامعه مسلمان و خصوصاً جامعه شیعه است؛ از باورهای مشترک در جامعه اسلامی به حساب می‌آید و می‌تواند هویت اسلامی مشترک ایجاد نماید و موجب وفاق و همدلی در جامعه مسلمان شود و در نتیجه به تحکیم روابط اجتماعی کمک نماید. علاوه بر آن این باور با رویکرد شیعی و در راستای اعتقاد به امامت و ولایت می‌تواند هویت شیعی مشترک در میان اقوام و ملیت‌های مختلف ایجاد کند و در ایجاد و تحکیم روابط اجتماعی در میان شیعیان مؤثر و مفید باشد؛ جمع‌بندی مباحث این گفتار را می‌توان در شکل ذیل ارائه داد.



## گفتار دوم: عناصر هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار

در پرتو اندیشه منجی موعود و مهدویت و انتظار، افراد به یک هدف مشترک و مقدس به نام آخرالزمان و اصلاح جهان پایبند می‌شوند. این اعتقاد می‌تواند افراد را در ترویج امور ارزشی و اخلاقی و ارتقای عدالت اجتماعی ترغیب کند؛ و ارزش‌ها و اهدافی را در جامعه ترویج دهد و براساس آن افراد را به همبستگی و هدف‌های مشترک هدایت کند و در نتیجه بر پیوندهای هویتی و ارتباطات اجتماعی تأثیر بگذارد و هویت مشترکی را به وجود آورد. با ایجاد هویت مشترک منبث از این اندیشه، افراد ممکن است احساس تعلق به یک جامعه ایده‌آل‌تر و ارتباط صمیمانه‌تری با یکدیگر داشته باشند. عناصر هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار را می‌توان در حوزه‌های مختلف باوری، ارزشی، هنجاری، رفتاری و نمادی استقصا و تفحص نمود. در این گفتار به مهم‌ترین عناصر هویت بخش اندیشه مهدویت اشاره می‌شود:

### ۱. پایبندی به باورها

بینش‌ها و باورها از ارکان اصلی فرهنگ و از عناصر مهم هویت به حساب می‌آیند. حال پرسش این است که اندیشه مهدویت چگونه می‌تواند در ساحت اعتقادی و باوری تأثیرگذار باشد؟ و از چه کارکردهایی در این حوزه برخوردار است؟ اندیشه مهدویت در تحکیم باورها در چند حوزه تأثیرگذار است:

### تقویت باور به ظهور منجی موعود

باور و اعتقاد به ظهور منجی موعود، باوری مشترک در میان پیروان همه ادیان است.<sup>۱</sup> در اندیشه مهدویت به این باور تأکید بیشتری شده است. شاهد بر آن انبوه روایاتی است که به ظهور منجی موعود در آخرالزمان وعده داده شده و بدان تصریح گردیده است. در برخی از این روایات آمده که اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد؛ آن روز آن قدر طولانی خواهد شد تا این که فردی از اهل بیت پیامبر اسلام ص ظهور نماید (سیوطی، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ۷۷).<sup>۲</sup> یا در روایتی دیگر اشاره شده که دنیا به پایان نخواهد رسید مگر این که فردی از خاندان پیامبر

۱. در گفتار اول این مقاله به عنوان یکی از سطوح هویت بخش اندیشه مهدویت و انتظار از آن گفتگو شده است.  
 ۲. «عن عبد الله بن مسعود عن النبي ص قال: «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث فيه رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».

اسلام ﷺ ظهور نماید تا عدل و داد را در زمین بگستراند (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ۱۳۵).<sup>۱</sup>

### تقویت باور به آینده

توجه به آینده و تصویرپردازی از آینده ریشه در ذات و نهاد آدمی دارد؛ و بر پایه آن ادیان مختلف تلاش نموده‌اند تا براساس آموزه‌های خود از آینده تصویر روشن ارائه نمایند. در ادیان گوناگون این ویژگی در قالب اعتقاد به منجی موعود مطرح شده است. بر پایه این باور در آینده با ظهور منجی موعود سعادت و خوشبختی برای بشریت فراهم خواهد آمد. در اندیشه مهدویت این باور مورد تأکید بیشتری قرار داده شده است. اندیشه مهدویت در حقیقت «تبلور یک الهام فطری است که مردم از دریچه آن، روز موعود را می‌بینند، روزی که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می‌یابد» (صدر، ۱۴۱۷ق: ۵۴). در آموزه‌های اسلامی از آینده تصویری روشن و قطعی داده شده است. در آیات قرآن کریم وعده قطعی به خلافت مؤمنان و صالحان در زمین داده شده است.<sup>۲</sup>

وجود چنین باوری می‌تواند گفتمان مشترک بین پیروان ادیان و فرق و مذاهب مختلف اسلامی را به وجود آورد که با تمسک به آن می‌توان هویت مشترکی را در میان پیروان ادیان ایجاد نمود و ارزش‌های مشترکی را در میان پیروان ادیان به وجود آورد.

### تقویت باور به عدالت‌گستری

عدالت‌خواهی نیز از خواست‌های فطری و طبیعی بشر است. بر طبق این خواست بشر به دنبال گسترش عدالت در جامعه است. ادیان الهی نیز بر طبق این خواست فطری یکی از آثار ظهور منجی را فراگیری عدالت معرفی نموده‌اند. لذا این باور در آموزه‌های ادیان مورد توجه قرار گرفته و بدان وعده قطعی داده شده است. در دین اسلام این باور در اندیشه مهدویت متجلی است و بدان توجه ویژه شده و از باورهای قطعی تلقی گردیده است. شاهد بر انبوه روایاتی است که در مجامع روایی اهل تسنن و شیعه به عدالت‌گستری فراگیر برای آینده خبر و وعده حتمی داده شده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۶۰۰).<sup>۳</sup> و درباره فراگیری عدالت در

۱. «لا تذهب الدنيا حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي، يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً».  
۲. اشاره به آیه ۵۵ سوره نور «وعدالله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الأرض...» و آیه ۱۰۵ سوره انبیا «ولقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادى الصالحون» دارد.  
۳. ابو سعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً و جوراً و عدواناً، ثم يخرج من أهل بيتي من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً».

عصر ظهور گفته شده عدالت همانند گرما و سرما وارد خانه‌های مردم خواهد شد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷).

### تقویت باور و ایمان به خداوند

باور به خداوند نیز ریشه در ذات و فطرت آدمی دارد. ادیان الهی همواره تلاش کرده‌اند تا این باور در میان مردم و در جامعه انسانی تقویت شود. در دین اسلام نیز برای تحکیم و تقویت باور به خداوند تأکید بسیاری شده است. اندیشه مهدویت که تجلی تام و تمام دین اسلام است؛ به عنوان يك باورداشت دینی، به تعالی اصول دینی از جمله باور به خداوند و ایمان به خدا تأکید شده است شاهد بر آن روایاتی است که تقویت باور به خداوند را از رسالت‌های اصلی عصر ظهور برشمرده‌اند به طوری که شعار توحید همه پهنه زمین را فرا خواهد گرفت (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق: ۵۶).

در مجموع، حوزه بینشی و باوری از اهمیت به‌سزایی در حیات مردم برخوردار است، و اندیشه مهدویت به عنوان یک بعد اساسی این حوزه، نقش مهمی در تقویت و تثبیت اعتقادات و ارتقای اصول دینی دارد. این حوزه باعث تعمیق فهم افراد در مورد باورهای یاد شده می‌شود و آنها را به زندگی مطابق با این اصول هدایت می‌کند. در واقع توسعه حوزه باوری و اعتقادی افراد نه تنها به تقویت ارتباط آنها با خدا و دین کمک می‌کند، بلکه به شکل مستقیم در شکل دهی به شخصیت اجتماعی آنها نیز تأثیرگذار است؛ و هویت بخشی خواهد بود و مایه تقویت هویت مشترک می‌شود.

### ۲. پایبندی به ارزش‌ها

ارزش‌ها یکی دیگر از ارکان اصلی فرهنگ و از عناصر مهم هویت به حساب می‌آیند. حال پرسش این است که اندیشه مهدویت چگونه می‌تواند در ساحت ارزش‌ها تأثیرگذار باشد؟ و از چه کارکردهایی در این حوزه برخوردار است؟

شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۸۰، «قال رسول الله ﷺ لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یخرج رجلا من أهل بیتی یملا الأرض عدلا کما ملئت ظلما و جورا».

۱. «أما و الله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و القر».

۲. «عن رسول الله ﷺ، أنه قال: «لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد، لبعث الله فیہ رجلا اسمه اسمی، و خلقه خلقی، ینبئ أبا عبد الله، ینبئ له الناس بین الرکن و المقام، یرد الله به الدین، و یفتح له فتوح، فلا یبقی علی وجه الأرض إلا من یقول: لا إله إلا الله».

اندیشه مه‌دویت می‌تواند در بخش‌های مختلف جامعه تأثیر بگذارد. این اعتقاد می‌تواند به ایجاد انگیزه و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی کمک کند و بر پیوندهای هویتی و ارتباطات اجتماعی تأثیر بگذارد و براساس آن افراد را به همبستگی و هدف‌های مشترک هدایت نماید. در واقع با ایجاد یک هویت مشترک براساس این اندیشه، افراد ممکن است احساس تعلق به یک جامعه ایده‌آل‌تر و ارتباط صمیمانه‌تری با یکدیگر داشته باشند. از این نظر، مه‌دویت می‌تواند در تشکیل هویت اجتماعی و ایجاد ارتباطات معنادار نقش داشته باشد. مهم‌ترین امور ارزشی برگرفته از اندیشه مه‌دویت که در هویت بخشی مؤثرند، عبارتند از:

### تربیت اخلاقی و رشد روحی

اندیشه مه‌دویت به تربیت اخلاقی و رشد روحی انسان‌ها اهمیت می‌دهد. بدین جهت تربیت اخلاقی و رشد روحی یکی از ارزش‌هایی است که در اندیشه مه‌دویت بدان تصریح و تأکید شده است. این ارزش را می‌توان از روایاتی که به ویژگی‌های منتظران اشاره کرده‌اند؛ استنباط نمود. بر پایه آن ویژگی‌ها منتظران کسانی هستند که به منجی موعود باور دارند و در انتظار ظهور وی به سر می‌برند و با زمینه‌سازی خود را برای ظهور آماده می‌کنند.

تربیت اخلاقی و تعالی روحی موجب می‌شود تا جامعه خود را به سطح قابل قبولی از فضائل اخلاقی برساند. در نتیجه ارتقای سطح اخلاقی جامعه موجب خواهد شد تا فضائل اخلاقی در جامعه گسترش پیدا کند و به دنبال آن جامعه از نظر اخلاقی و تربیتی واجد ویژگی‌ها و صفاتی می‌شود که آثار فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. هویت بخشی یکی از آثار است. زیرا در تربیت اخلاقی و رشد روحی منیت و خودبینی در جامعه به حداقل می‌رسد و جامعه برای تحقق آرزوهای مشترک تلاش می‌کند و در تعارض بین امتیازات اجتماعی با امتیازات فردی، امتیازات اجتماعی ترجیح داده می‌شود و جامعه به صورت من واحد در خواهد آمد و از این جهت هویت واحد در جامعه شکل خواهد گرفت.

ضرورت تربیت اخلاقی و تعالی و رشد روحی که اندیشه مه‌دویت بدان تأکید دارد را می‌توان از روایاتی که به ویژگی‌های منتظران اشاره کرده‌اند، استنباط نمود. مانند این روایت که از رسول خدا ﷺ نقل شده مبنی بر این که مردمی که در آخرالزمان می‌آیند از برادران آن حضرت به‌شمار می‌آیند. اینان در دینداری خدا استقامت و پایداری می‌ورزند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲،

۱۲۴). روشن است زمانی این افراد منتظر در زمرة برادران حضرت رسول ﷺ به شمار می‌آیند که از تربیت اخلاقی لازم برخوردار باشند. پس اندیشه مهدویت مستلزم این است که منتظران و به تبع آن جامعه منتظر در سایه معارف الهی تربیت شوند و رشد اخلاقی و روحی پیدا کنند و گرنه بدون آن هرگز نمی‌توانند از برادران پیامبر اسلام ﷺ محسوب شوند.

### صبر و پایداری

صبر و پایداری یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی است که اندیشه مهدویت بدان تأکید می‌کند. در روایاتی که در خصوص ویژگی‌های اخلاقی منتظران نقل شده به این ویژگی اشاره شده است. صبر و پایداری جامعه را در مقابل تکانه‌های احتمالی ثابت قدم نگه می‌دارد و موجب می‌شود جامعه در مقابل انواع ناملایمات و ناهمواری‌ها، استوار بماند و انسجام و همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و با انسجام و همبستگی هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

به این خصوصیت نیز در روایاتی که ویژگی‌های منتظران را بیان کرده‌اند، اشاره شده است. مانند این روایت که رسول خدا ﷺ به اصحاب‌شان فرمودند:

پس از شما کسانی می‌آیند که بر هر يك از آنان اجر پنجاه نفر شما را خواهند داد. اصحاب گفتند: ما در عزوات بدر، احد و حنین با شما بودیم و آیاتی درباره ما نازل شد؛ پس چرا به آنها پنجاه برابر ما ثواب داده می‌شود؟ حضرت فرمودند: آنان در شرایط دشوار خواهند بود که اگر شما در آن شرایط باشید تحمل و استقامت آنان را نخواهید داشت (همان: ۱۳۰).<sup>۲</sup>

یعنی با وجود شرایط دشوار و سخت در عین حال صبر و استقامت را پیشه خود قرار می‌دهند. پس اندیشه مهدویت مستلزم این است که منتظران و به تبع آن جامعه منتظر در سایه معرفت منجی موعود به ارزش صبر و استقامت توجه دارند و در زندگی فردی و اجتماعی به آن ملتزم هستند.

۱. «عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ ذات يوم وعنده جماعة من أصحابه اللهم لقني إخواني مرتين فقال من حوله من أصحابه أ ما نحن إخوانك يا رسول الله فقال لا إنكم أصحابي وإخواني قوم في آخر الزمان آمنوا ولم يروني لقد عرفنيهم الله بأسمائهم وأسماء آبائهم من قبل أن يخرجهم من أصلاب آبائهم وأرحام أمهاتهم لأحدهم أشد بقية على دينه من خراط القتاد في الليلة الظلماء أو كالقابض على جمر الغضا أولئك مصابيح الدجى».

۲. «عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ: سيأتي قوم من بعدكم الرجل الواحد منهم له أجر خمسين منكم قالوا يا رسول الله نحن كنا معك ببدر وأحد وحنين ونزل فينا القرآن فقال إنكم لو تحملوا لما حملوا لم تصبروا صبرهم».

## تعهد و مسئولیت‌شناسی

تعهد و مسئولیت‌شناسی یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی است که در اندیشه مهدویت بدان تأکید شده است. بر طبق این ویژگی منتظران علاوه بر خودسازی، نسبت به دیگران نیز احساس مسئولیت دارند و با تبلیغ دین و اصلاح دیگران و با دعوت مردم به معارف مهدوی، روح نشاط و امید را در آنان تزریق می‌کنند. در روایتی از امام سجاد علیه السلام به این نکته اشاره شده و یکی از ویژگی‌های منتظران را تعهد و مسئولیت‌شناسی‌شان نسبت به دیگران معرفی نموده است. آن حضرت در این باره به ابو خالد فرمودند:

ای اباخالد مردم زمان غیبت مهدی علیه السلام، که معتقد به امامت او هستند و در انتظار ظهور او به سر می‌برند، با فضیلت‌ترین مردم همه زمان‌ها هستند... آنان حقیقتاً افراد با اخلاص و شیعیان صادق ما می‌باشند؛ آنان به صورت سری و علنی مردم را به دین الهی دعوت می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۰).<sup>۱</sup>

بر طبق این روایت، تعهد و مسئولیت‌شناسی منتظران موجب می‌گردد تا دیگران را نیز به دین الهی دعوت کنند تا همه مردم به دین الهی گردن نهند و از آنان افراد نیک و صالحی پرورش یابند. در روایت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به این ویژگی آنان اشاره شده است. آن حضرت در این باره می‌فرماید:

آنان در اطاعت از امام‌شان کوشایند... مثل آنها در زمین مثل مشک است که بوی خوشش پراکنده می‌شود و هرگز متغییر نمی‌گردد و مثل آنها در آسمان مثل ماه است که نورش هرگز خاموش نمی‌شود (همان: ۲۶۸).<sup>۲</sup>

پراکندن بوی خوش از سوی منتظران کنایه از تأثیرگذاری آنان در جامعه است و آن نیز حاکی از تعهد و مسئولیت‌شناسی‌شان است به طوری که همانند مشعل‌ای هدایت می‌درخشند. این عناصر ارزشی، می‌توانند بر هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه تأثیرگذار باشند. و هرکدام به نحوی در تقویت هویت اجتماعی افراد و جامعه منتظر نقش مهمی ایفا می‌کنند و اساس ارتباطات افراد با دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

زیرا این ویژگی‌ها می‌توانند به تقویت انسجام اجتماعی، ترویج ارزش‌های دینی، و تشویق

۱. «یا أبا خالد إن أهل زمان غیبتہ القائلین بإمامتہ و المنتظرین لظهورہ أفضل من أهل كل زمان ... أولئك المخلصون حقا و شیعتنا صدقا و الدعاة إلى دین الله عزوجل سرا و جہرا ...».

۲. «... مجدودن فی طاعتہ... مثلهم فی الأرض کمثل المسک یسطع ریحہ فلا یتغیر أبدا و مثلهم فی السماء کمثل القمر المنیر الذی لا یطفأ نورہ أبدا...».

به مشارکت اجتماعی کمک کنند که در نهایت هویت اجتماعی را تقویت می‌کنند.

### ۳. پایبندی به هنجارها و رفتارهای مهدوی

هنجار (Norm) در لغت به معنی: راه و روش و طریق و طرز و قاعده و قانون آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۴۹، ۳۰۸). و در اصطلاح به معنی قانون یا اصلی که راهبری یا هدایت یک رفتار را موجب می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۵ش: ۲۴۸-۲۴۹). اصولاً هنجارها الگوی رفتاری مشترک یا معیارهای رفتاری هستند (بروس کوئن، ۱۳۸۳ش: ۷۴). و اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند و نشان‌دهنده بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند (گیدنز، ۱۳۸۷ش: ۶۵). هنجارهای اجتماعی به رفتارهای معینی اطلاق می‌شوند که براساس ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و با رعایت کردن آن‌ها جامعه نظم و انتظام پیدا می‌کند (گی روشه، ۱۳۷۶ش: ۱۶۷). و معیارهای رفتار فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند.

نظام هنجاری اندیشه مهدویت بر پایه اصول دین اسلام استوار شده که به تشویق رفتارها و نگرش‌های خاص در افراد و جامعه می‌پردازد. این نظام هنجاری از قوانین اسلامی و تعلیمات رسول اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام الهام گرفته است. در زیر، به برخی از مهم‌ترین هنجارهای رفتاری مهدویت که در تقویت هویت نقش دارند اشاره می‌شود:

#### تحمّل بر عدالت اجتماعی

در دین اسلام بر اهمیت آن تأکید بسیاری شده و استقرار کامل قسط و عدل یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران معرفی گردیده است (حدید: ۲۵).<sup>۱</sup> عدالت‌ورزی یکی از شاخصه‌های جامعه منتظر است. باور به عدالت‌گستری مهدوی موجب می‌شود در جامعه منتظر به صورت هنجار در آید و در رفتارهای فردی و اجتماعی ظهور و بروز نماید. و از این جهت می‌تواند در تقویت قدرت اجتماعی و جلب اعتماد عمومی و تحکیم انسجام اجتماعی مؤثر باشد. و با تقویت قدرت اجتماعی و تحکیم همبستگی اجتماعی و جلب اعتماد عمومی، هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. از این رو عدالت اجتماعی هدف و غایت حرکت جامعه عصر غیبت باید به شمار رود.

۱. «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...».

### ترویج ارزش‌های اخلاقی

عناصر اخلاقی پیش‌گفته در صورتی که در جامعه منتظر به صورت هنجار در آیند می‌توانند در رفتارهای منتظران تأثیر بگذارند و در نتیجه هویت اجتماعی که یکی از آثار آنها به‌شمار می‌نماید نظام هنجاری مهدویت از حفظ عدالت اجتماعی و اصلاح نابرابری‌ها در جامعه حمایت می‌کند. این شامل مبارزه با ستم و ترویج اصول عدالت اقتصادی و اجتماعی است و در جامعه تقویت خواهد شد.

### تحکیم انسجام و همبستگی اجتماعی

انسجام اجتماعی از مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند حکایت می‌کند (محرابی، ۱۳۸۷ش: ۲۱). مناسبات فرهنگی، مذهبی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در انسجام اجتماعی نقش دارند. دین در این خصوص نقش بی‌بدیلی دارد. چون از طرفی موجب تقویت پیوند و ارتباط در میان مردم می‌شود و از طرف دیگر مایه اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند. و این دو باعث می‌شوند تا در میان مردم انسجام و همبستگی اجتماعی تقویت شود.

اندیشه مهدویت با ایجاد اهداف و ارزش‌های مشترک موجب می‌شود منتظران براساس اهداف مشترک، اصول اخلاقی، ارزش‌های انسانی گردهم جمع شوند و همبستگی اجتماعی جوامع را براساس آنها شکل دهند. اجتماع مردم حول محور اهداف مشترک هویت بخش خواهد بود و به تقویت هویت اجتماعی کمک خواهد نمود.

### تقویت روابط اجتماعی

گفته شد اندیشه مهدویت با تأکید بر باور به منجی موعود از یک طرف و مهدویت با رویکرد اسلامی از طرف دیگر و باور به مهدویت با نگاه شیعی از طرف سوم می‌تواند مردم را حول محور باور و اندیشه خاصی گردهم آورد، و فصل مشترکی را در میان‌شان بگشاید. روشن است تکیه بر این باور و اهداف مشترک موجب تقویت روابط اجتماعی می‌شود و با تحکیم روابط اجتماعی هویت مشترک به وجود خواهد آمد.<sup>۱</sup>

۱. در گفتار اول این مقاله به سطوح مختلف سه‌گانه این هویت‌بخشی اشاره شده است.

### تحکیم اعتماد اجتماعی

بین اعتماد اجتماعی و روابط اجتماعی رابطه دو سویه برقرار است یعنی هر دو جامعه اعتماد اجتماعی تقویت شود به همان میزان روابط اجتماعی نیز تقویت خواهد شد و از طرف دیگر هرچه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، روابط اجتماعی نیز از قوام بیشتری برخوردار خواهد بود. اندیشه مهدویت با تکیه بر باورها مشترک، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد ارزش‌های مشترک است و ارزش‌های مشترک نیز در ایجاد اعتماد اجتماعی نقش پررنگی دارند. زیرا تکیه بر ارزش‌ها می‌تواند فصل مشترکی را در بین افراد ایجاد کند و موجب شود تا اعتماد میان مردم با همدیگر به وجود آید و با تکیه بر ارزش‌ها، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌شود. به قول توماس برتون باتامور:

نبود اعتماد به‌ویژه از نوع ارزشی و اخلاقی، روابط دوسویه را پرسوء ظن، تیره و بحران‌زا می‌گرداند (باتامور، ۱۳۷۲ش: ۴۳).

بنابراین اعتقاد به مهدویت می‌تواند از طریق استحکام اعتقادات، شبکه‌ای از ارزش‌ها را در میان باورمندان ایجاد کند؛ و با تکیه بر ارزش‌ها و پایبندی به قواعد اخلاقی، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر خواهد شد و با ایجاد اعتماد عمومی و تقویت آن هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

### ۴. پایبندی به نمادها و سمبل‌های مهدوی

کلمه "Symbol" در لغت به معنای نماد، نشانه، دال، رمز (آریان‌پور، ۱۳۸۵ش: ۲، ۲۲۵۸) و «علامت» و «نشان مشخص کننده» (ساروخانی، ۱۳۷۵ش: ۴۱۴) و علامت و نماینده رمز است (آراسته خو، ۱۳۷۰ش: ۳۸۲).

نمادها در زندگی انسان و در تجسم و ملموس نمودن امور به خصوص امور غیرمادی، آثار و نتایج و کارکردهای مطلوبی دارند. «انسان برای انتقال آنچه در ذهن دارد به هم‌گونه خود از گفتار یا نوشتار بهره می‌گیرد. اگرچه زبان انسان سرشار از نمادهاست، اما در بسیاری از نشانه‌ها و نمایه‌هایی که خیلی هم گویا نیستند نیز استفاده می‌کند» (یونگ، ۱۳۷۷ش: ۱۵).

نمادها کارکردهای متنوعی در زندگی انسان دارند. از قبیل: ایجاد شبکه ارتباط با دیگران، ایجاد توانایی در انسان برای اندیشیدن بهتر و درک محیط اطراف خود و ایجاد زمینه‌های لازم برای درک امور متافیزیکی و ماورای طبیعی. در واقع به‌وسیله نمادها می‌توان حقایق موجود در

یک اندیشه را به دیگران معرفی نمود و به مردم شناساند. از این جهت بین یک اندیشه و نمادها و نشانه‌های مرتبط با آن اندیشه، رابطه مستحکمی وجود دارد (ملکی‌راد، ۱۳۹۷ش: ۱۲۶-۱۲۷).

حال باید دید که اندیشه مهدویت از چه نمادهایی برخوردار است؟ در اندیشه مهدویت می‌توان به گونه‌های مختلف نمادها اشاره کرد؛ اما آنهایی که در هویت بخشی نقش دارند عبارتند از:

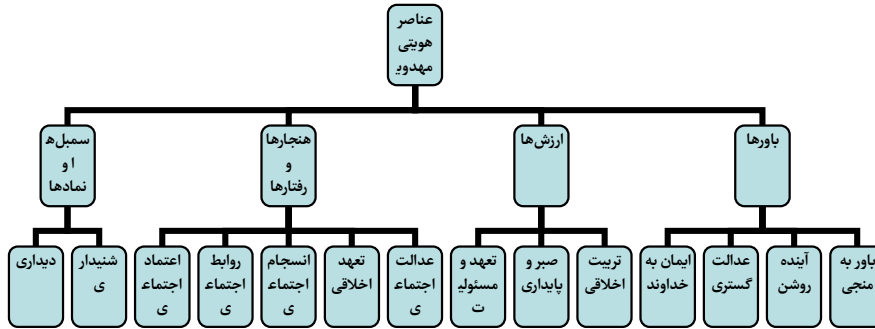
#### نمادهای شنیداری

به آن دسته از نمادهایی گفته می‌شوند که از جنس صدا و صوتند و به وسیله گوش دریافت می‌شوند. مانند: شنیدن ادعیه و مدایح مربوط به امام زمان عجل، دعای ندبه، دعای فرج و... از آثار هویت بخش این دسته از نمادها آن است که اگر اینها در جامعه گسترش پیدا کند و مردم به یاد آن حضرت در مجالس دعا حضور پیدا کنند و آنها را بشنوند موجبات همدلی و انس و الفت را در جامعه منتظر به وجود خواهند آورد و به تبع آن هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

#### نمادهای دیداری

نمادهایی هستند که به وسیله چشم دریافت می‌شوند. شامل نمادهای شکلی و جسمی، تصویری و نوشتاری می‌شوند. نمادهای شکلی و جسمی در خصوص تقویت هویت، نقش مهمی دارند. در برخی از کشورهای اسلامی به ویژه مناطق شیعه نشین اماکنی وجود دارند که مورد توجه مردم مسلمان و شیعیان است؛ و برای آنان قداست و معنویت دارد. مردم ساعت‌ها و روزها و شب‌هایی را در آن اماکن بیتوته می‌کنند و به راز و نیاز با خداوند مشغول می‌شوند. این اماکن به جهت انتساب به حضرت مهدی عجل برای مردم از قداست خاصی برخوردارند. مانند: مسجد سهله، سرداب مقدس سامرا، مقام امام زمان عجل در وادی السلام، مسجد جمکران و... در حقیقت این اماکن به عنوان سمبل و نماد برای حضرت مهدی عجل تبدیل شده‌اند. اقبال مردم به این اماکن دارای آثار مختلف معرفتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. اجتماع مردم در این اماکن موجب می‌شود پیوند و ارتباط مردم با همدیگر تقویت شود و اتحاد، همبستگی و انسجام اجتماعی به وجود آید. در نتیجه می‌توانند هویت واحد را در جامعه ایجاد نمایند و موجب تقویت هویت اجتماعی شوند؛ جمع بندی مباحث این گفتار را می‌توان در

شکل ذیل ارائه داد.



### نتیجه‌گیری

هویت اجتماعی عبارت از مجموعه‌ای از شباهت‌های اجتماعی و فرهنگی است که جوامع و گروه‌های اجتماعی را حول محور خویش گرد هم می‌آورد. از منظر جامعه‌شناسان دین و آموزه‌های دینی در معنی بخشی به زندگی و هدفمند کردن آن نقش پررنگی دارد و یکی از عوامل مهم هویت‌ساز به‌شمار آید.

در این مقاله نشان داده شد که اندیشه مهدویت به عنوان یکی از آموزه‌های مهم دینی در ابعاد مختلف هویت آفرین است. ابتدا سطوح هویت بخشی آن در سه سطح هویت‌ساز مورد بررسی قرار داده شد:

**اول:** هویت بخشی به جامعه بشری با تأکید بر اندیشه منجی موعود؛ در این سطح هویت بخشی اندیشه مهدویت به جوامع بشری فرا دینی و فراسرزمینی است و با تأکید بر باور به منجی موعود، همه بشریت با هر دین و آئین را مورد خطاب خویش قرار می‌دهد و با تکیه بر اشتراکات ادیان در باور به منجی موعود، موجب تقویت هویت جمعی پیروان ادیان می‌شود.

**دوم:** هویت بخشی به جوامع مسلمان با تأکید بر مهدویت با رویکرد اسلامی، در این رویکرد اندیشه مهدویت اندیشه‌ای اسلامی است و نگاهش به این اندیشه فراتر از مذهب و فرقه خاص است. این نگاه می‌تواند همه مسلمانان را گرد هم جمع کند و موجب تقویت هویت جمعی همه آنان شود.

**سوم:** هویت بخشی به جوامع شیعی با تأکید بر باور به مهدویت شیعی، در این رویکرد اندیشه مهدویت، آموزه‌ای شیعی با تکیه بر پذیرش امامت به عنوان کانون اعتقادی شیعه بر امامت امام مهدی علیه السلام استوار است. و در نتیجه جوامع شیعی با این باور ولادت و امامت و

غیبت امام مهدی علیه السلام را قبول دارند و در انتظار ظهور آن حضرت به سر می‌برند. از این جهت عنصر انتظار یکی از عناصر وحدت بخش در جامعه شیعی به حساب می‌آید و انتظام بخش جامعه منتظر خواهد بود و در نتیجه به تقویت هویت اجتماعی جوامع شیعی کمک خواهد نمود. و بعد از آن به عناصر هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار اشاره شد. و این عناصر در چهار ساحت باروها، ارزش‌ها، هنجارهای رفتاری و نمادها و سمبل‌ها که می‌تواند هویت بخش باشد مورد بررسی قرار داده شد. در ساحت باورها با تقویت باور به ظهور منجی موعود، تقویت باور به آینده روشن، تقویت باور به عدالت‌گستری و تقویت باور و ایمان به خداوند می‌تواند هویت بخش باشد. و در ساحت ارزش‌ها با تأکید بر تهذیب نفس و تربیت اخلاقی و رشد روحی، صبر و پایداری و تعهد و مسئولیت‌شناسی می‌تواند هویت اجتماعی را تقویت نماید. و در ساحت هنجارهای رفتاری با تحفظ بر عدالت اجتماعی، ترویج ارزش‌های اخلاقی، تحکیم انسجام و همبستگی اجتماعی، تقویت روابط اجتماعی و تقویت اعتماد اجتماعی هویت بخش خواهد بود. و در نهایت در ساحت نمادها با برخورداری از نمادهای شنیداری و نمادهای دیداری موجبات همدلی و انس و الفت و پیوند و ارتباط مردم با همدیگر را در جامعه منتظر به وجود می‌آورد و به تبع آن هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

## منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲. آراسته خو، محمد (۱۳۷۰ش)، *نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی*، تهران: نشر گستره، دوم.
۳. آریان‌پور، منوچهر و دیگران (۱۳۸۵ش)، *فرهنگ انگلیسی به فارسی*، تهران: جهان رایانه، ششم.
۴. باتامور، توماس برتون «تی. بی.» (۱۳۷۲ش)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر مؤسسه کیهان، چهارم.
۵. البانی، ناصرالدین (۱۴۲۲ق)، *مجله‌التمدن الاسلامی*، شماره ۲۷ و ۲۸.
۶. برگر، پترول؛ لوکمان، توماس (۱۳۹۵ش)، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه: فریبرز مجیدی،

- تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، سوم.
۷. بروس، کوئن (۱۳۸۳ش)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلامعلی توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۸. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۸ش)، *سیاست و مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن، دوم.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲ش)، *مجموعه مقالات: مهدویت و آینده‌پژوهی*، مقاله: مهدویت؛ روند هویت‌یابی مهدوی در عصر جهانی شدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۱۰. حاج حسینی، حسن (۱۳۸۱ش)، «بحران هویت و انحرافات اجتماعی»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۷.
۱۱. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالعلمیه.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: نشر دانشگاه تهران، دوم.
۱۳. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۱ش)، *نجات‌بخشی در ادیان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوم.
۱۴. روشه، گی (۱۳۷۶ش)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: مؤسسه فرهنگی تبیان.
۱۵. ریچارد، جنکینز (۱۳۸۱ش)، *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج یار احمدی، بی‌جا: شیرازه.
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵ش)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اول.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۴ق)، *الحاوی للفتاوی*، بیروت: دارالفکر.
۱۸. شومان، هانس ولفانگ (۱۳۷۵ش)، *آئین بودا*، ترجمه: ع پاشایی، بی‌جا: نشر فیروزه.
۱۹. شهیدی، اسدالله (۱۳۸۴ش)، *ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، قم: مسجد مقدس جمکران، سوم.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۲ش)، *بشارات عهدین*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۳ش)، *پاسخ به ده پرسش*، قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی، اول.

۲۲. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲ش)، *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چهارم.
۲۳. صدر، محمدباقر (۱۳۷۶ش)، *بحث حول المهدی علیه السلام*، مقدمه: دکتر عبدالجبار شراره، ترجمه: مصطفی شفیعی، قم: موعود عصر.
۲۴. الطائی، علی (۱۳۹۶ش)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: شادگان، سوم.
۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق)، *المعجم الکبیر*، قاهره: مکتبه ابن تیمیه، اول.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الاسلامیه، اول.
۲۸. العباد، محسن (۱۳۸۹ق)، «عقیده أهل السنة و الأثر فی المهدی المنتظر»، *الجامعة الاسلامیه*، شماره ۳.
۲۹. قنوجی بخاری، محمد صدیق بن حسن خان (۱۴۲۱ق)، *الاذاعه لما کان و ما یکون بین یدی الساعه*، بیروت: دار ابن حزم، اول.
۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷ش)، *جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نی، بیست و دوم.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم.
۳۲. محرابی، علیرضا (۱۳۸۷ش)، *بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه های انسجام ملی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، اول.
۳۳. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق)، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم: مسجد جمکران، سوم.
۳۴. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷ش)، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۳۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: صدوق، اول.
۳۶. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷ش)، *انسان و سمبول هایش*، ترجمه: محمود سلطانیه، تهران: نشر جامی، اول.
۳۷. سایت رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله): [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir).